

گزارش

«شرق» از احتمال شکل‌گیری کمپین ضدایرانی علیه ترامپ گزارش می‌دهد

مالک مصدق

درحالی‌که تنها یک هفته از بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید می‌گذرد، طبق برخی گزارش‌ها یک کمپین گسترده و پنهانی در حال شکل‌گیری است که توسط نئومحافظه‌کاران در واشگتن هدایت می‌شود. در همین زمینه، انتخاب به نقل از نشریه آمریکایی «دراپ سایت نیوز» خبر داد: «این افراد از انتصاب مجموعه‌ای از مشاوران سیاست خارجی توسط دونالد ترامپ که از مخالفت جنگ با ایران صحبت کرده‌اند، وحشت‌زده شده‌اند». اولین ضربه به جناح جنگ‌طلبان آسیب‌دیده زمانی وارد شد که مایک پمپئو از دستیابی به سمتی در کاخ سفید منع شد و اخیراً نیز حفاظت امنیتی از او گرفته شد. این اقدام پس از بی‌اعتنایی‌های مشابه به جان بولتون و بری‌ان هوک، دو چهره ضدایرانی دیگر، صورت گرفت که هر دو از حفاظت امنیتی محروم شده و از دولت کنار گذاشته شده‌اند. در ادامه این مطلب آمده است: «اخراج بری‌ان هوک به یک نمایش طنزآمیز از تحقیر ترامپی تبدیل شد. چیزی که در توصیف ترامپ از هوک به‌عنوان عضوی از دولت قبلی و قراردادن او در کنار دموکرات‌ها و افرادی مانند میلیی (چهره‌ای منفور برای ترامپ) جالب بود، این است که هوک در نوامبر گذشته توسط خود ترامپ برای ریاست بر انتقال تیم وزارت امور خارجه انتخاب شده بود. جمهوری خواهان ضد جنگ در آن زمان متعهد شدند هوک هرگز شغلی در دولت دوم ترامپ پیدا نکند و منابع گفتند ترامپ او را پس از اطلاع از سوابق طولانی‌اش در انتقاد از ترامپ و لفاظی‌های جنگ‌طلبانه‌اش اخراج کرد. اکنون او کنار گذاشته شده و به‌طور خصوصی رهبری مخالفت‌ها با نامزدهای ترامپ را بر عهده دارد».

گفته می‌شود بخش زیادی از این مخالفت‌ها را می‌توان در بین سستور گزارش‌های نشریه Jewish Insider دید. اگر تلاش‌های آیک (AIPAC) را برای تأثیرگذاری بر انتخابات مقدماتی دموکرات‌ها در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۴ جهت حذف منتقدان اسرائیل دنبال کرده باشید، دقیقاً می‌دانید که نشریه جونیوس اینسایدر منبعی است که از طریق آن می‌توان فهمید آیک اکنون در حال پول خرچ‌کردن علیه کدام افراد است. در این نشریه، همواره گزارش‌هایی منتشر می‌شد که هتداف می‌داد گروه‌های حامی اسرائیل از ظهور برخی نامزدها «نگران» هستند؛ اغلب به دلایل بی‌سود می‌مورد یا گاهی تنها به دلیل رابطة آن نامزدها با کسی که مورد علاقه آنها نبوده است. همین‌الگو اکنون علیه انتصابات ترامپ به کار گرفته شده است.

حلقه نوکان‌ها تأثیری بر اتخاذ سیاست ترامپ علیه ایران ندارد

باین‌حال، علیرضا راستین در گفت‌وگو با «شرق»، این دست گزارش‌های رسانه‌ای را نزدیک به واقعیت نمی‌داند و یادآور جایگاه، نقش و نفوذ بسیار پررنگ دونالد ترامپ در میان جمهوری‌خواهان، متذکر می‌شود: «حلقه نوکان‌ها اگرچه ارتباطات بنیادینی با لای‌های اسرائیلی و آیکک دارد، اما نمی‌توانند در کوتاه‌مدت و حتی میان‌مدت تهدیدی را متوجه کابینه ترامپ بکنند». بنابراین وی نتیجه‌گیری می‌کند: «حلقه نوکان‌ها تأثیری بر اتخاذ سیاست ترامپ علیه ایران ندارد». ضمن آنکه این کارشناس مسائل آمریکا باور دارد: «دونالد ترامپ علاوه بر بازگشت به کاخ سفید، هم‌زمان مجلس نمایندگان و مجلس سنا را هم در اختیار دارد که می‌تواند نقش حلقه یا کمپین ضدایرانی را کم‌رنگ‌تر کند». باین‌حال، راستین در ادامه کپ‌گفتش با «شرق» این نکته را هم گوشزد می‌کند که «مجموعه سیاست‌ها و تحولات پیش‌رو بین ایران و آمریکا به‌عنوان پارمتر تعیین‌کننده در دوری یا نزدیکی دولت ترامپ با حلقه نوکان‌ها عمل خواهد کرد. به این معنا که اگر تهران و واشگتن در مسیر تقابل قرار بگیرند، امکان همسویی بیشتر بین این کمپین‌ها و دونالد ترامپ وجود دارد». به گفته این کارشناس «نباید نقش آفرینی مخرب اسرائیل و شخص نتانیاهو را هم در اتخاذ سیاست‌های ضدایرانی و نزدیکی این حلقه با برخی افراد نظیر مارکو رویبو و مایکل والترز فراموش کرد».

تغییرریل ترامپ در برابر تهران

در مقاله‌ای با عنوان «انتخاب احتمالی ترامپ، دیدگاه‌های صلح‌طلبانه البریح کولبی در مورد ایران برجسته است»، جونیوس اینسایدر هشدار داد که کولبی «به‌طور درخور توجهی با اقدام نظامی مستقیم علیه ایران مخالف بوده است». باین‌حال، او سمت خود را گرفت و اکنون یکی از مقامات ارشد پنتاگون است. همچنین، ترامپ بیش از ۱۲ انتصاب دیگر را اعلام کرد بدون حضور حتی یک نئومحافظه‌کار که دوباره زنگ خطر را در جونیوس اینسایدر به صدا درآورد. این رسانه (جونیوس اینسایدر) از انتصاب مایکل دیمینو که پیش‌تر در سیا و پنتاگون کار کرده بود، وحشت‌زده شد. او به‌عنوان معاون وزیر دفاع در امور خاورمیانه منصوب شده است. جونیوس اینسایدر هشدار داد: «سال گذشته، ایدیمینو دومین حمله موشکی پالمستیک ایران به اسرائیل را به‌عنوان یک واکنش «نسبتاً معتدل» توصیف کرد و به‌جای بمباران حوثی‌ها در یمن، خواستار فشار آمریکا بر اسرائیل برای کاهش درگیری‌های منطقه‌ای شد». این مجله همچنین ابراز نگرانی کرد که دن کاندول، یکی دیگر از محافظه‌کاران مخالف جنگ با ایران، به نظر می‌رسد در واردکردن افراد همفکر به پنتاگون نقش داشته باشد. در این میان، «یکی از مخالفان برجسته سیاست خارجی سنتی جمهوری‌خواهان که خواستار کاهش چشمگیر حضور آمریکا در خاورمیانه است، به‌طور مخفیانه در فرایند انتقال در وزارت دفاع دخیل بوده است. طبق گفته چهار نفر که با این موضوع آشنایی دارند، این موضوع نشان‌دهنده تغییر ایدئولوژیک در پنتاگون است. درحالی‌که رئیس‌جمهور دونالد ترامپ دولت جدید خود را می‌سازد.» مبارزه بر نام سردرهای ترامپ مستقیماً به قدرت بالقوه آتش‌بس در غزه مرتبط است. انتظار می‌رود ترامپ نماینده خود در خاورمیانه و دوست املاکی‌اش، استیو ویتکاف و وادار یسه پذیرش آتش‌بس کرد. برای مذاکره با ایران منصوب کند. برای دستیابی به عادی‌سازی روابط میان عربستان و اسرائیل و توافق هسته‌ای با ایران، ترامپ نیاز دارد نسل‌کشی در غزه پایان یابد که این سه موضوع را به هم مرتبط می‌کند و دلیل خصومت شدید اسرائیل با گسترش نقش ویتکاف است. ترامپ درباره نقش فزاینده ویتکاف اظهاراتی کرد که جونیوس اینسایدر آن را به‌عنوان انتقاد از ویتکاف گزارش داد.

ترامپ و سیر فکری ویتکاف و دیمینو

علیرضا راستین در ادامه گفت‌وگوی خود با «شرق» و ذیل تحلیل عمیق‌تر این موضوع از منظر کلان‌تر بر این باور است که «دونالد ترامپ اکنون با یک هوشمندی سعی دارد معادلات خاورمیانه و مشخصاً پرونده ایران را به شکلی متفاوت از حلقه نوکان‌ها مدیریت کند». بنابراین به گفته این تحلیلگر مسائل آمریکا، «اگرچه دونالد ترامپ خبر به‌کارگیری استیو ویتکاف را به‌عنوان مسئول پرونده ایران تکذیب کرد»، اما به زعم این کارشناس «استفاده از افرادی مانند دیمینو از پنتاگون نشان می‌دهد دونالد ترامپ با سیاست و راهبردی که در قبال منطقه غرب آسیا و تهران برای دولت خود تعریف کرده است، نهایتاً فردی را به‌عنوان مسئول مذاکرات و پرونده ایران نخواهد کرد که سپهر فکری نزدیک به دیمینو و ویتکاف داشته باشد تا از تشدید تنش، تقابل، درگیری و حتی جنگ نظامی بین ایران و آمریکا جلوگیری کند و اصطلاحاً با کمترین هزینه برای آمریکا، در نهایت اهداف ترامپ محقق شود».

www.sharghdaily.com

واکاوی سناریوی تغییر رئیس‌جمهوری آمریکا و تأثیر آن روی برخی شاخص‌های اقتصادی در گفت‌وگو با حسین راغفر

بهانه‌ای به نام ترامپ

انحصارگران، منتفعان تحریم و خصولتی‌ها، بازیگردانان سقوط ارزش پول ملی

عبدالرحمن فتح‌الهی

سیاست خارجی بازمی‌گردد یا می‌توان به عوامل دیگری اشاره کرد؟ پاسخ به این سوالات و پرسش‌هایی از این دست، محور گفت‌وگویی با حسین راغفر است. این اقتصاددان، برخلاف فضای رسانه‌ای، تحلیلی و کارشناسی ماه‌های منتهی به انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا که بیروزی ترامپ و بیم و نگرانی از تقابل مجدد او با ایران را عامل اصلی افزایش نرخ ارز تلقی می‌کردند، هیچ اعتقادی به نکته یادشده ندارد؛ چراکه این استاد دانشگاه عوامل دیگری را کاتالیزور تحولات این روزهای بازار ارز می‌داند. آنچه در ادامه می‌خوانید، مشروح این کپ‌وگفت است.

یک عامل مؤثر است، اما تنها پارمتر برای این وضع آشفته در بازار ارز و دیگر شرایط اقتصادی کشورمان نیست. ضمن آنکه اگر قائل به اثربخشی مخرب تحریم‌ها بر شکل‌گیری وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم هستیم، باید این اثربخشی را ناشی از روند طی‌شده و سلسله تصمیم‌گیری‌های اجرایی داخلی دانست. آیا در طول چند دهه گذشته اقدامات لازم و تصمیمات کافی در تحربخشی به بخش تولیدی و صنعتی و بخش اقتصادی و تجاری کشور را در دست‌ور کار قرار داده‌ایم تا بتوانیم در برابر اثربخشی تحریم‌ها به شکل درست مقابله کنیم و اصطلاحاً آثار و تبعات تحریم‌ها را بر اقتصاد کشور کم کنیم؟

شما اگر به دیگر کشورها نگاه کنید، زمانی که تحت تحریم قرار می‌گیرند، برای آن چاره‌اندیشی اساسی می‌کنند. اما واقعاً در چهار دهه گذشته به‌رغم آنکه به شکل جدی تحت تأثیر تحریم‌ها قرار گرفته‌ایم، برای آن فکر اساسی نشده است و فقط به دنبال دورزدن تحریم‌ها بوده‌ایم که بتوانیم نفت خود را بفروشیم و کالا وارد کنیم یا بودجه جاری و عمومی دولت‌ها برای پرداخت حقوق و دیگر نیازهای اولیه کشور را فراهم کنیم و علا خبری از توسعه و رشد اقتصادی و پیشرفت نیست. ما با یک اقتصاد مافیایی و غیرمولد مواجهیم که به دنبال فروش نفت و دیگر منابع طبیعی کشور است و هم‌زمان در بازارها هم شاهد سفته‌بازی و دلالتگری هستیم و خبری از اقتصاد مولد و ارزش افزوده نیست.

همین وضعیت به شکل‌گیری انحصارها و منتفعان تحریم منجر شده است. این روند بعد از سال‌های جنگ و مشخصاً از میانه دهه ۸۰ شمسی تقویت پیدا کرد و نهادهای غیراقتصادی، سایه جدی روی تمام منابع اقتصادی کشور گذاشتند و در این سال‌ها عملاً بخش خصوصی از اقتصاد و تولید کشور خارج شد که به خروج سرمایه از ایران دامن زد و به همان اندازه، فرصت‌های خلق شغل و سرمایه‌گذاری خارجی و رشد اقتصادی و توسعه از دست رفت. وقتی ساختاری نتواند به تولید و خلق شغل دست بزند، طبیعتاً دولت‌ها هم نمی‌توانند ناترازی‌ها و کسری‌های بودجه خود را از طریق برخی منابع مانند منابع مالیاتی تأمین کنند و هم‌زمان صندوق‌های بازنشستگی هم با بحران‌های عمیق و بی‌سابقه‌ای مواجه خواهند شد و در ادامه شاهد ناترازی دیگر هستیم که علت عمده آن ناتوانی اقتصاد ایران در خلق پول است. هم‌زمان با آن و با کاهش بی‌سابقه سرمایه اجتماعی شاهد خروج سرمایه‌های مردمی از اقتصاد و تولید و همچنین شاهد فرار سرمایه‌های داخلی از کشور بودیم. در چنین شرایطی است که تأثیر حداکثری تحریم‌ها بر اقتصاد کشور به وجود می‌آید، چون برای آن چاره‌اندیشی اساسی نشده است. در کنار آن باید به ریسک‌های ناشی از مخارج برون‌مرزی سیاست خارجی کشور هم در سه دهه گذشته اشاره کرد که عملاً اقتصاد ایران را، چه برای سرمایه‌گذاری داخلی و چه برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، به‌شدت پریسک کرده است.

ک چند بار به یادواژه «ناترازی» اشاره کردید که مشخصاً در طول حدود شش ماهی که از دولت چهاردهم گذشته و نیز در دولت سیزدهم بارها در حوزه‌های مختلف از انرژی تا مسائل ارزی و… از این عبارت استفاده می‌شود. اما برخی معتقدند که به‌کارگیری کلمه ناترازی نوعی فرار به جلو از مشکلات جاری کشور و توجهی برای گسترش مشکلات در زمینه‌های مختلف است. حضرت‌عالی قائل به چنین گزاره‌ای هستید؟ آیا این نگاه قدری بدبینانه نیست؟

ا ما چرا این سیستم و ساختار دیگر کارآمدی خود را از دست داده است؟ چون این ساختار در ظرفیت و پتانسیل‌های مردمی و ملی خود ضعیف است. بخش خصوصی در کشور اکنون به یک بخش خصولتی تبدیل شده است و امروز خود همین خصولتی‌ها به یکی از معضلات یا به عبارتی بزرگ‌ترین معضل در اقتصاد کشور تبدیل شده‌اند که از این بازار آشفته و به‌ویژه تحولات بازار ارز بیشترین استفاده را می‌برند. همین روند خودبه‌خود به شکل‌گیری «عدم تعادل‌ها» یا اصطلاحاً ناترازی‌ها دامن می‌زند.

ک و راه‌حل بیرون‌رفت چه خواهد بود؟

برای برون‌رفت از این وضعیت ما نیازمند «اصلاحات ساختاری» هستیم؛ یعنی باید دست به عمل‌های جراحی جدی در عرصه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دیپلماتیک و… بزنیم تا این ساختار موجود با تغییر ریل اساسی در مسیر توسعه قرار گیرد. در غیراین‌صورت و در پاسخ صریح به گفته شما، معتقدم اگر این مسیر ادامه پیدا کند، در کوتاه‌مدت «ناترازی‌های» فعلی کشور به «فروپاشی اقتصادی» منتج خواهد شد. درحالی‌حاضر و با وجود تمام بحران‌های اقتصادی و معیشتی، من هنوز قائل به فروپاشی نیستم، بله، مشکل هست، اما می‌توان از

شرق



فرصت‌های حداقلی کنونی هم نهایت استفاده را برد. ولی همان‌طور که گفتم و دوباره تأکید می‌کنم، این امر مستلزم تغییر ریل اساسی و نیازمند اصلاحات ساختاری است. هنوز به آینده ایران بدبین نیستم.

ک چرا؟

چون معتقدم که هنوز زمان داریم و دیر نشده است. فرصت هم وجود دارد، اما باید تفکراتی که کشور را به این نقطه کشاندند، اصلاح شوند و ریل‌گذاری سه دهه گذشته کشور در عرصه تصمیم‌گیری اقتصادی تغییرات اساسی و جدی داشته باشد.

ک اگرچه با یک نگاه خوش‌بینانه هنوز به فرصت‌های حداقلی باور دارید، اما این فرصت‌های حداقلی می‌توانند به تغییر مطلوب یا تغییرات ساختاری مدنظر شما منجر شود؟

متأسفانه مسئولان اجرایی در سه دهه گذشته با تصمیمات و تفکرات خود فرصت‌های مغتنم کشور را از بین برده و فضایی را به وجود آورده‌اند که اکنون انتخاب‌های ایران به‌شدت «محدود» و به‌شدت «مشروط» شده است. اما یقین بدانید که اگر امروز هم از همین فرصت‌های حداقلی خودمان استفاده نکنیم، در آینده وضعیت از این بدتر خواهد شد و همین فرصت‌های حداقلی هم کوچک‌تر و کوچک‌تر می‌شوند. پس همان‌گونه که تصمیمات سه دهه گذشته ما را به این وضعیت رسانده، قطعاً تصمیمات امروز هم زمینه‌ساز تحولات ما در سال‌ها و دهه‌های پیش‌رو خواهد بود، بنابراین دوباره یادآور می‌شوم که هنوز ما فرصت بازگشت امید به بخش خصوصی اقتصادی و تجاری و همچنین در میان مردم را به طور کامل از دست نداده‌ایم. درعین‌حال باید اعتراف کرد که هنوز نشانه‌هایی برای تصمیم‌گیری درست در راستای استفاده بهینه از همین فرصت‌های حداقلی هم وجود ندارد.

ک نوعی کلی‌گویی و ابهام در گفته شما وجود دارد. منظور مشخص‌تان از فرصت چیست؟ مذاکره با دولت ترامپ و بازگشت به لیست سبز اف‌ای‌تی‌اف؟

اتفاقاً موضوع اف‌ای‌تی‌اف که شما به آن اشاره کردید، هم ناشی از منافع بازیگردانان و منتفعان باندهای سیاسی در کشور است که در طول این سال‌ها اندازه داده‌اند ما شاهد یک فضای معمولی و عادی و اصطلاحاً یک «اقتصاد نرمال جهانی» در ایران باشیم. پس اگرچه مذاکره با غرب، بازگشت به لیست سبز اف‌ای‌تی‌اف یا دیگر اقداماتی از این دست با یک تصمیم‌گیری ساده می‌تواند حل‌وفصل شود و فرصت‌های حداقلی را ایجاد کند، اما شما به‌وضوح می‌بینید که این قبیل تصمیم‌گیری‌ها با مقاومت همین جریان‌ها و باندها و منتفعان تحریم همراه شده است که این روزها نمادهای آن را در فضای سیاسی، رسانه‌ای و اجتماعی کشور می‌بینید و برای مثال به طور مرتب به مذاکره و دیگر مسائل حمله می‌شود.

ک به این موضوع هم بپردازیم که عبد‌الناصر همتی، وزیر اقتصاد، دوشنبه‌شب هفته گذشته به هم‌زمان با مراسم تحلیف ترامپ، از برنامه‌های احتمالی دولت چهاردهم برای مقابله با کمپین فشار حداکثری و بازگشت تحریم‌ها از طرف ترامپ گفت. در شرایط کنونی کشور و با این وضعیت بازار ارز پس از مراسم تحلیف در آمریکا، تا چه حد می‌توان دولت چهاردهم را برای تقابل با سناریوهایی مختلف آماده دید؟

بدون تعارف من ارزی‌شی برای این دست گفته‌های وزیر اقتصاد قائل نیستم و نمی‌خواهم بیش‌ازاین به سؤال‌تان پاسخ بدهم، چون وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم به شکل بسیار روشنی گویای وضعیت است و شما می‌بینید که در فاصله حدود یک هفته پس از بازگشت ترامپ، چه وضعی در بازارها به وجود آمده است.

تازه هنوز خبری از فشار حداکثری، تحریم، تقابل یا احتمال تنش نظامی و جنگ نیست و این شرایط نامطلوب را شاهدیم. البته باز هم اعتقاد دارم که بخش عمده این وضع هم ناشی از همان تلاش‌های مخرب باندهای سیاسی در کشور است که

ک با این تقاسیم، ماه‌های پایانی سال ۱۴۰۳ و شرایط کشور در سال ۱۴۰۴ از چگونگی می‌بینید؟ آیا آن‌گونه که طیفی معتقدند، در صورت تشدید گسل ایران با ترامپ، باید شاهد آشفتنگی‌های جدی‌تر بود؟

واقعیت‌ها که این را نشان می‌دهد، چون اگرچه من گفتم که فرصت و زمان وجود دارد، اما هم فرصت محدود است و هم زمان کوتاه و درعین‌حال من هنوز تصمیم قاطع و عزم و اراده جدی برای استفاده از این فرصت‌ها نمی‌بینم. بنابراین اگر مسیر طی‌شده چند دهه گذشته کماکان ادامه پیدا کند و خبری از اصلاحات ساختاری و تغییر روش‌هایی که ما را به اینجا رسانده‌اند، نباشد، باید شاهد وضعیت بدتر باشیم و باید منتظر رشد و حتی اوج‌گیری شدیدتر تورم در بخش کالاهای اساسی و خدمات عمومی و اجتماعی باشیم. اکنون جامعه ایران هم در یک وضعیت حساس قرار دارد. سرمایه اجتماعی و حمایت ملی و مردمی از دولت‌ها کاهش پیدا کرده است و یک شکاف بی‌سابقه را در این سال‌ها می‌بینیم. با این روند قطعاً بیش از هر زمان دیگری فضا برای آشفتنگی‌های جدی که مطرح کردید، فراهم است.

نوبت اول	«خلاصه آگهی عرضه عمومی جایگاه سوخت»				
سازمان خصوصی‌سازی در نظر دارد در اجرای مصوبه هیئت واگذاری و سایر قوانین و مقررات مربوطه، جایگاه سوخت شرکتی شماره (۵) اهواز را به شرح جدول زیر از طریق مزایده عرضه و واگذار نماید.					
آدرس جایگاه	ارزش پایه (ریال)		شرایط تسویه ثمن معامله		
	درصد حصه نقدی	مدت اقساط (سال)	تعداد اقساط	فاصله اقساط (ماه)	تاریخ برگزاری مزایده
اهواز – خرعلیه – جنب انبار خرم کوشک – خیابان شهیدفاضلی – پمپ بنزین خرم کوشک	۵۰	۲	۴	۶	۱۴۰۳/۱۱/۳۰

«آگهی عرضه عمومی» فوق (نسخه تکمیلی) در پایگاه اینترنتی سازمان خصوصی سازی به نشانی www.ipoir (قسمت آگهی های عرضه – اصل ۴۴) در دسترس می باشد.

شناشنه آگهی ۱۸۷۴۷۱۹ م الف ۳۸۱۴